

حبیب الله تحقیقی



« از جور زاغان گلخن جفا مترسیم و از چنگال تیز جغان بی حیا نهراسیم، چه اگر سینه درند مرهم فوز به ملکوت ابهی موجود و اگر خونخوار ستمگرند فوز و فلاح جبروت اعلی مشهود و اگر لانه و کاشانه ضبط و خراب نمایند الحمدالله آشیانه در سدره المنتهی محقق و مثبت. پس از چه ترسیم و از چه ادیتی بهراسیم.» عبدالبهاء عباس

جناب حبیب الله تحقیقی فرزند جناب حسین و خانم سلطان تحقیقی در آبان ماه 1306 شمسی در شهر یزد متولد شد. خانواده ی تحقیقی به اهواز منتقل شدند و حبیب الله دوران ابتدایی و متوسطه را در آن شهر به پایان رساند و وارد دانشکده ی نفت آبادان گردید. پس از اتمام دوره ی دانشگاه، چون محصلی نمونه و شایسته بود از طرف شرکت نفت برای یک دوره ی تخصصی به مدت دو سال به انگلستان اعزام گردید و پس از مراجعت در پالایشگاه آبادان مشغول به کار شد. در سال 1336 در طهران با دوشیزه منیژه هویدایی ازدواج نمود و حاصل این ازدواج دو فرزند ذکور به نام های سیروس و کوروس است که در آمریکا ساکن هستند. حبیب الله در سال 1346 از طرف شرکت نفت به پالایشگاه شهر ری نزدیک طهران و پس از ده سال خدمت در سال 1356 برای به کار انداختن پالایشگاه تبریز به آن شهر بلانگیز منتقل شد. چون همیشه در وظایفش کوشا بود باعث تعجب و حسد حاسدین قرار می گرفت تا آنجا که بعد از انقلاب ایران در سال 1357 چند بار تهمت جاسوسی به او وارد آمد. چون مورد احترام رؤسا بود و او را خوب می شناختند تهمت ها مؤثر واقع نشد، تا آنکه به عضویت محفل مقدس تبریز انتخاب گردید. چون همسر او هم عضو و منشی همین محفل بود، لهذا پاسداران اسلامی به خانه اش وارد شدند و آنچه بتوان نام بر آن گذاشت با خود بردند. بعضی از دوستان خواهش کردند که از شهر خارج شود ولی او با تبسمی که همواره بر لب داشت پاسخ داد که هرچه خدا بخواهد و اراده ی الهی باشد همان واقع خواهد شد. در نوروز 1360 از کار بازنشسته شد و به طهران برای ایام نوروز به اتفاق همسر سفر نمود و پس از بازگشت در منزل

شخصی دستگیر شد. جناب حبیب الله تحقیقی دو ماه در تبریز در زندان انفرادی به سر برد و ممنوع الملاقات بود و کسی از وی خبری نداشت. پدر و مادر از طهران به قصد ملاقات عازم تبریز شدند. مقامات زندان گفتند که خانمش باید به اینجا بیاید و هر دو باهم محاکمه شوند. ناچار والدین با قلبی آکنده از غم و اندوه به طهران مراجعت نمودند. در اواسط تیر ماه همان سال اطلاع یافتند که جناب تحقیقی به زندان عمومی منتقل شده اند و امکان ملاقات ایشان هست. والدین، او را در زندان ملاقات کردند و روحیه ی او را بسیار قوی یافتند. از سخنانش واضح بود که راضی به رضای الهی است. صبح روز هفتم مرداد ماه از تبریز به طهران اطلاع داده شد که شب قبل پس از یک سری محاکمات در دادگاه انقلاب اسلامی، جناب حبیب الله تحقیقی محکوم به مرگ شده و حکم در باره ی او اجرا گردیده است. همسر مهربانش با نهایت قوت قلب و با ایمان کامل این واقعه را تحمل نمود. می گفت: « من منتظر این واقعه بودم و افتخار می کنم که حبیب الله عاقبت به خیر شد و تاجی بر سر نهاد که در زندگی نصیب همه کس نمی شود.»

مأخذ: دارالانشای بیت العدل اعظم الهی.

پروازها و یادگارها، صفحه 82، تألیف ماه مهر گلستانه.

[www.Vaselan.org]